

- کارگران جهان متحد شوید! -

انقلاب جاری در ایران، پولاریزه شدن فضای سیاسی و انزوای پهلویست‌ها

آذر مدرسی

هفت هفته است ایران در آتش خشم انقلابی مردمی که برای آزادی و برابری، که مسئله زن و رهایی کامل آن از یوغ بردگی اسلامی، حلقه اتصال آن در سرتاسر ایران شد، می‌سوزد. جنبشی که به هیچ چیز جز رفتن جمهوری اسلامی و آزادی و برابری و زندگی سعادتمند رضایت نمی‌دهد و زمین را زیر پای همه نیروهای بورژوازی از حاکم تا اپوزیسیون به لرزه در آورده است. این جنبش را نمیتوان از درون فتح کرد. خیزش و انقلابی که برای رهایی زن، برای زندگی برابر و سعادتمند، برای آزادی است، را با هیچ اسب تروایی از درون نمیتوان به زانو در آورد. در این هفت هفته، این جنبش نه تنها علیه جمهوری اسلامی خیابان، دانشگاه، آرامگاه‌ها، مدارس، بیمارستان و ... را فتح کرد! نه تنها زمین را با شعارهای آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی به لرزه در آورد! که بعلاوه و همزمان با قدرت تمام در مقابل اپوزیسیون راست و ارتجاعی برای سواستفاده و تلاش برای فتح از درون آن، ایستاده است. در این هفت هفته این جنبش به تلاش نیروهای قومی و ناسیونالیست کرد در کردستان ایران «نه» بزرگی گفت و به موازات آن علیه عملیات تحریک آمیز و میلیتاریستی حکومت در کردستان عراق، که هر دو، یکی در حکومت و دیگری در اپوزیسیون، برای تبدیل کردستان ایران به میدان «جنگ» و جنبش «کوره»‌ها و انزوای آن از جنبش سراسری مردم در ایران، ایستاد! ... صفحه ۲



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست
هفتگی ۴۳۲

۳ نوامبر ۲۰۲۲ - ۱۲ آبان ۱۴۰۱

تجمعات وسیع اعتراضی در دانشگاه‌ها

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

عواقب جبهه‌بندی‌های احزاب ناسیونالیست کرد

مظفر محمدی

اخیرا یک آگهی از دبیرخانه کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) منتشر شده که ابراهیم علیزاده دبیر اول کومه له با سیامند معینی رهبر حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) و عمر ایلخانیزاده نماینده ی مرکز همکاری احزاب کردی، دیدار داشته و در مورد تشکیل یک جبهه واحد و نیروی نظامی مشترک گفتگو کرده اند.

با نگاهی به مناسبات شعبات مختلف احزاب ناسیونالیست کرد و تجارب کنگره ملی، کنفرانس‌ها و شاخ و شانه کشیدن هایشان علیه همدیگر در تمام این دوران، سناریوی جبهه واحد، توهمی بیش نیست. اما انصافا کل جناح‌های احزاب کردی در رقابت برای پذیرفته شدن از طرف جمهوری اسلامی وحدت کلمه و عمل داشته و هنوز هم دارند!

«مرکز همکاری احزاب کردستانی» از سه جریان حزب دمکرات کردستان ایران «حدکا»، کومه له‌های عبدالله مهتدی و عمر ایلخانیزاده، که قبلا سازمان مذهبی خه بات هم در این جبهه قرار داشت، صرفا یک ابزار در خدمت جریان اصلی ناسیونالیست کرد (حدکا) است. دو جریان دیگر به نام کومه له عملا در حاشیه حدکا قرار داشته، نه نیرویی به حساب می‌آیند و نه حدکا آن‌ها را جدی می‌گیرد.

از طرف دیگر تلاش کومه له (سازمان کردستان حکا) به همکاری و احتمالا تشکیل جبهه با پژاک جبهه دیگر احزاب کردستانی است. ایجاد یک جبهه واحد از این دو طیف با توجه به اختلافات جدی بین پژاک و حدکا، محتمل نیست. حدکا پژاک را بعنوان یک حزب کردستان ایران برسمیت نمی‌شناسد و آن را شعبه ای از پ ک ک می‌داند. دشمنی آشکار حدکا در کنار حزب دمکرات بارزانی با پ ک ک هر گونه همکاری و اتحادی را با پژاک بعنوان شاخه ای از پ ک ک، غیر ممکن کرده است. ... صفحه ۴

پیرامون حمله لمین فاشیست‌های سلطنت

طلب به آکسیون آزادیخواهان در لندن

اطلاعیه کمیته لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

در همه‌پسندگی با مبارزات آزادیخواهان مردم در ایران

شنبه ۵ نوامبر
ساعت ۲ بعد از ظهر
میدان ترافالگار - لندن

تماس: ۰۷۴۸۸۸۶۸۴۶۶

حزب حکمتیست (خط رسمی) - کمیته لندن

آزادی برابری حکومت کارگری

در این هفت هفته، مردم آزادیخواه به تلاش ترامپیست های «وطنی» برای تبدیل جنبش انقلابی خود به باروت سناریوی سیاه «رژیم چینج»، تبدیل ایران به اوکراین و به میدان جدال و رقابت های نظامی و اقتصادی آمریکا و روسیه و چین و ایران و متحدین هریک، «نه» بزرگی گفتند! جدال هایی که در سراسر جهان جز جنگ و تخریب و باطلاق های پی در پی، نتیجه ای به بار نیاورده است و این روزها تماما به بن‌بست رسیده است.

مردمی که عراق، سوریه، لیبی، اوکراین، یوگوسلاوی و افغانستان را دیده اند، نسل جوانی که تجربه انقلاب ۵۷ و «حمایت» ریاکارانه و توطئه آمیز آمریکا و دول غربی از آن انقلاب، برای به شکست کشاندن آن را مرور کرده است، با صدای بلند اعلام کرد که نه تنها چشم امید به «حمایت» دول غربی ندارد، که برعکس پیروزی خود را در کوتاه کردن دست دخالت دول غربی و متحدین «وطنی» آنان، از انقلاب آتی خود میدانند. این یکی از مهم ترین و شورانگیزترین دستاورد های مردم در ایران است که پس از تحمل چهل و سه سال تحجر و اسارت در چنگ یک فاشیسم تمام عیار اسلامی، از انقلاب خود، از آرمان ها و اهداف آن، دفاع میکنند و دوستان دروغین آن را می شناسند و صف مستقل خود را در همه حال گسترش می دهد. در این هفت هفته جامعه ایران به سرعت پولاریزه و نسبت به آنچه که می خواهد و نه فقط آنچه که نمی خواهد، خودآگاه تر شده است. سیاست رهبر تراشی ناسیونالیست های فیروزه ای، از ردیف کردن «شاهزاده» ها، «شاهدخت» ها و «والاحضرت» ها و پرده برداری از «ندیمه ها»، «ملیچک ها» و «بله قربان گو» های دربار آینده و ردیف کردن صف کاندیداهای وزرای آینده، که به کمک میدیای راست بین المللی مرتب زیرنورافکن قرار می گیرند، عملا به جدال اعتراض های متحد مردم رفت و تلاش عملی برای شکست صف متحد این انقلاب، است. اینروزها شاهدیم پهلوئیست ها علیرغم پیام های ریاکارانه اتحاد از سوی رهبرشان، چگونه عملا به جدال اتحاد شکل گرفته در این انقلاب رفته اند! تلاش شنیع و زنده راست افراطی و پهلوئیست، در برهم زدن اعتراض متحدانه مردم در ایران در چهل مهسا را شاهد بودیم! گره زدن اعلام جنگ میلیونی و متحدانه مردم به حاکمیت، به مناسبت چهلمین روز مرگ مهسا به مراسم درون خانوادگی به تاریخ سپرده شده، سالروز تولد محمد رضا شاهی که به زیر کشیده شده است، و تبدیل اعتصابات وسیع و عظیم کارگری به گرامیداشت سالروز «کوروش کبیر» و .. و برگزاری جشنواره «عظمت ایران و ایرانی»، که در صف مقدم عظمت ناسیونالیستی آن جمهوری اسلامی نشسته است، همه و همه در یک چشم به هم زدن دود شد و هوا رفت! نه تنها این تلاش پوچ شد که راست افراطی گذشته پرست و ستاره درخشان میدیای راست، بیش از پیش در جامعه منزوی شد! مردم به حق شاه و «اشرافیت درباری» و «خدمه» ها و «ندیمه» های آنان را توهینی نه به شعور خود که به حرمت و کرامت و آزادی و حق برابر شهروندی خود می دانند. جالب است که پا به پای گذشته پرستان و «کهنه» یا «نو» پهلوئیسم، «مقام معظم» هم تلاش میکند این تحرک انقلابی را جنبشی برای برگرداندن گذشته و سلطنت سرنگون شده، بنامد! بلکه به این طرق جنبش و انقلابی به پیش که برای آینده ای آزاد شکل گرفته است را به شکست بکشاند!

این برخلاف تبلیغات پهلوئی چی ها، نه از قدرت سایه گذشته به زیر کشیده شده و «محاسن» محمد رضا شاه و محبوبیت «دوزخی» ساواک، که از مرده بدینا آمدن جنبشی است که پهلوئی چی ها از ان نشات می گیرند!

راست افراطی به رهبری خانواده پهلوئی، علیرغم فستیوال هایش توسط میدیای راست پر زرق و برق، در این مضحکه شکست خورد! این شکست را در بی اعتنایی مردم به فرمایشات و فراخوان های «شاهزاده» و اعتراض مستقل مردم و شعارهای رادیکال آنها، میتوان دید.

این جنبش که از روز اول اعلام موجودیت خود نیروی ارتجاعی چون مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت و رئیس جمهور لچک به سر آن را چنان به حاشیه پرتاب کرد که تا مدت ها در کما به سر خواهند برد. سرنوشتی که در انتظار «شاه» و «خاندان سلطنتی» سکولار و «متمدن» و لشکر «شاهدخت» ها است. هیچ چیزی بیش از ضدیت فریاد «آزادی، آزادی، آزادی» مردمی که به جنگ نیروی سرکوب میروند، با نعره «رژیم چینج برای ایران» توسط راست شیروخورشیدی در خیابان های لس آنجلس و لایبسم برای متحقق کردن آن، نمیتوانست تقابل این دو صف را به متوهم ترین و ناآگاه ترین اقشار مردم ثابت کند. ظرفیت های فاشیستی طرفداران «شاهنشاهی»، حملات هیستریک و فالانژیستی آنان نه فقط به کمونیست ها، که به هر کسی که حاضر نیست زیر پرچم شیروخورشید سلطنتی شمشیر بزند، را حتی تلاش میدیای راست در سانسور کردن این حملات و لانسه کردن پزهای دمکرات منشانه آقای پهلوئی و فیروزه ای ها نتوانست مخفی کند. این کف چرانی ها تنها و تنها از سیر انزوی است که به آن دچار شده اند و ناکام ماندن تلاش برای شکست صف متحد

مردم و کج کردن سر بخش ناآگاه جامعه گذشته است! ایندوره «نو» و «کهنه» پهلوئیست ها نشان داند به نام تمامیت راضی، به نام «اتحاد حول سرنگونی» و... حتی قابلیت هضم جناح لیبرال جنبش خود را ندارند و باعث هراس و ترس آنها هم شده است. در این هفت هفته فضای سیاسی در ایران و خارج کشور بیش از پیش سیاسی و پولاریزه شد. کمترین توهیم به یک انقلاب «همه با هم»، به فراخوان راست به اتحاد زیر «دمکراسی»، «پرچم شیروخورشید» و «تمامیت راضی»، به ضرورت حمایت غرب از انقلاب و «نیت خیر» آنان در دفاع از انقلاب، ریخته شد. تلاش راست در همسو نشان دادن جنبشی که برای آزادی، رفاه و برابری میجنگد با خود که، مانند سال ۵۷، به نام انقلاب برای به شکست کشاندن آن کفش و کلاه کرده است، به سرعت با شعارهایی علیه حاکمیت و «شاه در انتظار» و «منتظر السلطنه» جواب گرفت. اینها هرچه بیشتر تلاش کردند قلعه را از درون فتح کنند، عکس العمل، آنتی پاتی و خشم وسیعتری را علیه خود دامن زدند. از منظر مردم در ایران همسویی این راست با انقلاب شان تفاوتی با همسویی اصلاح طلبان ناراضی با این انقلاب و اشک تمساح ریختن سران آن ندارد. همین حقیقت و همین خودآگاهی سناریوهایی چون «شورای مدیریت گذار»، «شورای ایران آزاد»، «شورای ملی مقاومت» و ... را به شکست کشاند. انقلاب آتی ایران، از امروز مهر آزادیخواهی، برابری طلبی و رفاه همگانی، مهر چپ را بر خود دارد. در این انقلاب، مانند هر انقلاب دیگری، جنبش ها و نیروهای سیاسی مختلف حضور دارند و تلاش میکنند آنرا به پیروزی یا به شکست بکشاند. اپوزیسیون بورژوازی و راست علیرغم دستگاه قوی میدیایی خود، علیرغم لایبسم سنتی در غرب، تا امروز بازنده ماجرا بوده. اما شکست کامل این راست تا بعد از انقلاب ادامه دارد. برای به شکست کشاندن این راست و تمام سناریوهای ارتجاعی و ضد انقلابی آن، باید اتحاد توده وسیع مردم نه فقط حول افقی روشن، رادیکال، که حول آلترناتیوی رادیکال، آلترناتیوی که این رادیکالیسم، این عطش برای بدست گرفتن سرنوشت خود، این جنگ برای آزادی و برابری، این تلاش برای اعمال اراده مردم را نمایندگی میکند، تثبیت کرد.

زمان آن است جنبشی که تا امروز به آلترناتیوهای چون «دولت در تبعید»، «رئیس جمهور» خودگماره، «شاهنشاه» در انتظار تاجگذاری، انواع شوراهای «مقاومت»، «گذار» و «مدیریت» و ... نه گفته است، به آلترناتیو رادیکال و انقلابی، «کنگره سراسری شوراهای مردمی»، به دولت موقتی که نماینده اعمال اراده مردم است، دولت موقتی که از دل همین جنبش و نمایندگان آن شکل میگیرد «آری» نهایی و قطعی خود را بگوید و دست به کار ایجاد آن شود. روزهایی که در ایران قدرت دفاکتو در دست مردم باشد دور نیست، روزهایی که حکومت قادر به بسیج دستگاه سرکوب به خیابانها نباشد، روزهایی که در زندانها شکسته شود و ... دور نیست، برای گرفتن قدرت در این روزها باید از امروز آماده شد و پایه های آلترناتیو مردمی خود را ساخت.

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهمیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

در نتیجه، میانجیگری کومه له ی حکا برای متحد کردن این دو جناح « حدکا و پژاک» در یک جبهه ی واحد، بیهوده و آب در هاون کوبیدن است. آنچه که قابل پیشبینی است این است که در تحولات آتی کردستان پس از سرنگونی جمهوری اسلامی ما شاهد جدال و کشمکش بین پژاک و حدکا خواهیم بود که به احتمال زیاد به جنگ نظامی بین این دو جریان تبدیل خواهد شد.

نزاع و جنگ قدرت بین حدکا و پژاک با دخالت مستقیم پ ک ک عملا به تقسیم مناطق مختلف کردستان هر جا نفوذ و نیرویی داشته باشند، می انجامد و هر کدام برای تصرف مواضع دیگری لشکر کشی خواهد کرد. در این سناریو، کردستان به محل جنگ و جدال بین شعبات احزاب ناسیونالیست کرد تبدیل شده و سرنوشتی همانند کردستان عراق را رقم می زند. در کردستان عراق دو حزب اصلی ناسیونالیست کرد، اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان «بارزانی» در همه ی این سالهای حاکمیت شان جنگ های خونینی با هم داشته و عملا کردستان عراق را به دو بخش «زون» سبز و زرد تقسیم کرده و هر کدام در بخشی از کردستان حاکمیت حزبی و ملیشایی خود را برقرار کرده و کلیه داراییهای جامعه را به تصرف در آورده اند.

اما کردستان ایران شباهتی با کردستان عراق و تقسیم مردم بین دو حزب حاکم ندارد. مردم کردستان ایران هم تجربه بیش از چهار دهه مبارزه متحدانه ی خود و همراه با جنبش های طبقاتی و اجتماعی سراسر ایران علیه دیکتاتوری مذهبی دارند و هم شاهد سرنوشت تلخ مردم کردستان عراق تحت حاکمیت دو حزب ناسیونالیست ملیشایی هستند. در نتیجه، این مردم، به احزاب ناسیونالیست رقیب همدیگر، پژاک و حدکا، برای تبدیل این منطقه به میدان جنگ قدرت خود، فرصت نمی دهند.

جنبش کارگران و زحمتکشان زنان و جوانان در کردستان ایران، جنبشی مغایر با قومگرایی، مذهب و ارتجاع و جنبشی آزادیخواه و برابری طلب است. سناریوی حاکمیت احزاب ملیشایی شیبه کردستان عراق در کردستان ایران با سد جبهه ی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و روشنفکران مترقی مواجه خواهد شد.

به یقین می توان گفت که اکثریت مردم کارگر و زحمتکش زن و مرد کردستان ایران از قومگرایی و مذهب و ارتجاع بیزارند. در راس این جبهه ی مردمی، کمونیست ها، سوسیالیست ها و آزادیخواهان و برابری طلبانی قرار دارند که می توانند کردستانی آزاد و مرفه و امن را در ارتباط با جنبش های طبقاتی و اجتماعی در سراسر ایران، بسازند.

کومه له ی حکا هم بیهوده تلاش می کند پژاک را بعنوان جریانی گویا دوست مردم کردستان به جامعه معرفی کند. پژاک بطور واقعی شعبه ای از پ ک ک و تا همین امروز با تشکیل نهادی کارتنی به نام کودار اصلاح طلب مثل دیگر همپالگی هایش از جمله مهدی و خالد عزیزی، منتظر پذیرفته شدن از جانب جمهوری اسلامی است. مصطفی هجری هم در ادامه همان سیاست، این روزها به شیوه شرم آوری از مردم انقلابی کردستان می خواهد از خشونت پرهیز کنند! هجری بر ادعای خامنه ای که مردم بپاخاسته را اغتشاشگر می نامد، صحنه می گذارد.

کومه له ی حکا با گره زدن سرنوشت خود به احزاب ناسیونالیست و قومی، عواقب سیاسی فاجعه بار و غم انگیزی برای خود رقم می زند. کومه له به همراه احزاب ناسیونالیست هیچ شانسی برای به دست آوردن گوشه لحاف قدرت ندارد و به جریانی بی اراده در حاشیه جنگ و نزاع های این احزاب تبدیل و زیر دست و پایشان له می شود.

کومه له می توانست و شاید هنوز هم می تواند راهش را و حسابش را از احزاب ناسیونالیست و قومی جدا کند و بعنوان جریانی شرافتمند و دوست مردم نقش ایفا کند و به شوراهای مردمی که خود نام می برد، وفادار باشد. در این صورت شانس این را دارد که در جنبش انقلابی قرب و احترامی داشته باشد. شانس ادامه کاری کومه له در کردستان و اگر بخواهد مثمر ثمری باشد، پرهیز از مشروعیت دادن به احزاب کردی و ایستادن در کنار جنبش انقلابی جاری و جبهه ی کارگران و سوسیالیسم در کردستان است.

ما به پتانسیل و ظرفیت ضد کارگر، ضد کمونیسم، ضد زن، ضد آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و لپنیسم احزاب ناسیونالیست و قومی آگاهییم و مخاطرات ان را جدی می گیریم. حدکا، خالد عزیزی را در رهبریش دارد که بیشزمانه گفته است: « بگذار کرد به دست کرد اعدام شود!» این لپن سیاسی درحالی که خود و حزبی هنوز یک روستا را در تصرف ندارد، طناب دار را برای اعدام مخالفین خود در رویای تبهکارانه ی حکومت کردی، برپا کرده است.

بعلاوه، زخم گلوله های سلاح ناسیونالیسم کرد به سرکردگی «حدکا» بر بدن

کمونیست ها از رهبر کارگران کوره پزخانه تا کمونیست های سازمان پیکار در بوکان و رفقا و همزمان ما در کومه له ی ان دوران، هنوز در قلب ما و هر انسان آزاده ای در کردستان خونریزی می کند. ما این جنایات را نه بخشیدیم و نه فراموش کردیم.

در کردستان، کمونیسم و سوسیالیسم از نفوذ و اتوریته زیادی در میان مردم و در طول بیش از چهار دهه مبارزه کمونیستی و دفاع از معیشت و امنیت و آزادی و حرمت انسان و برابری زن و مرد برخوردار است.

ما کمونیست ها با اتکا به شوراهای مردمی، سد محکمی در مقابل دودوزه بازی احزاب ناسیونالیست در جنبش انقلابی کنونی و قلندری و یکه تازی حدکا و پژاک در کردستان پس از جمهوری اسلامی، خواهیم بست. ما این فرصت را از ناسیونالیست ها برای برقراری حاکمیت ملیشایی احزاب به سیاق کردستان عراق، خواهیم گرفت.

کارگران و زحمتکشان زنان و جوانان کردستان با اتحاد در شوراهای محلات، شهرها، کارخانه ها، دانشگاه ها و مدارس، صف مستقل خود را از احزاب ناسیونالیست و قومی و مذهبی تشکیل می دهند. کمونیسم ما و اتحاد کارگران و مردم در شوراهای مردمی، امید کردستان آزاد و برابر در کنار طبقه کارگر و زحمتکشان ایران با سرنگونی جمهوری اسلامی است. ما این را تأمین و تضمین می کنیم.

آزادی

آزادی، یعنی رهایی کامل از قدرت و

حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از

کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت

آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی

رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از

انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین

دولتی بورژوازی رهایی از

بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی،

رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین

و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده

جامعه موجود، رهایی از ستم های

مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر

و فلاکت جهل و کل تبعیضات و مصائب

جامعه بورژوازی.

سوء استفاده از خیزش انقلابی مردم ایران ممنوع

روز شنبه ۷ آبان برابر با ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲، علیرغم تهدیدات و اولتیماتوم فرمانده سپاه پاسداران، دانشگاه های مختلف ایران شاهد تجمعات وسیع دانشجویی بود. در بخش وسیعی از دانشگاه های ایران از جمله دانشگاه های تهران، مشهد، مازندران، اصفهان، شیراز، کرج، اراک، بابل، بندر عباس، سنندج، هرمزگان، خرم آباد، اورمیه، همدان و... شاهد تجمعات وسیع دانشجویی بودیم. در این روز بعلاوه در بسیاری از دبیرستان ها و حتی مدارس نیز تجمعات اعتراضی برگزار شد. جوانان آزادیخواه در بسیاری از شهرهای ایران، نه فقط به اولتیماتوم «فرمانده» وقعی نهندند که به روال چند هفته گذشته، تجمعات اعتراضی برگزار کردند. دیروز باردیگر شاهد زد و خورد میان جوانان و مردم آزادیخواه با نیروهای مسلح حکومتی در شهرها، دانشگاه ها، خیابان ها و محلات بودیم. نیروی سرکوب جمهوری اسلامی، با التیماتوم فرمانده سپاه پاسداران مبنی بر پایان تجمعات، موج جدیدی از تعرض وحشیانه را آغاز کرد. در بسیاری از دانشگاه ها اوباش لباس شخصی، حراست و بسیج دانشجویی به محیط دانشگاه یورش برده و دست به ضرب و شتم دانشجویان معترض زدند و جوباب درخور خود را نیز از دانشجویان رادیکال و انقلابی گرفتند. دیروز خوابگاه های دانشجویی، منازل دانشجویان و محوطه دانشگاه نیز از یورش و آدم ربایی در امان نماند. پادگانی شدن بسیاری از دانشگاه های تهران، بویژه دانشگاه آزاد تهران، دانشگاه مشهد، دانشگاه تبریز، دانشگاه کردستان و محاصره دانشجویان در دانشگاه ها و خوابگاه ها، نه فقط ترس و رعبی را دامن نزد که بر خشم و نفرت مردم آزادیخواه افزود و موجی انسانی در دفاع از دانشجویان راهی دانشگاه ها شد. دیشب دانشجویان شاهد لشکری انسانی در دفاع از خود بودند. مردمی که آشکارا اعلام کردند دست نیروی سرکوب از دانشگاه ها کوتاه! دانشجویان به روشنی اعلام کردند تا زمانی که تعرض و جنایت حاکمیت به مردم ادامه دارد، دانشگاه ساکت نخواهد شد. اعلام کردند همه دستگیرشدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند، دانشگاه از نیروهای حکومت و مزدوران مسلح و... پاک شود، تهدید و احضار و آدم ربایی باید پایان یابد، حق اعتراض و تجمع و تشکل باید به رسمیت شناخته شود، دفتر بسیج دانشجویی در دانشگاه ها به عنوان بازوی سرکوب حاکمیت باید پلمپ شود و همه وظایف دانشگاه در قبال دانشجویان بی کم و کاست باید از سر گرفته شود. تعرض جدید حاکمیت و روانه کردن قاتلین حرفه ای و اوباش بسیجی و چاقو کشان لباس شخصی از جناب مردم آزادیخواه و نسل جوان جواب گرفت و شکست خورد. امروز سراسر ایران، از دانشگاه و مدرسه تا مراکز کارگری و محلات، تا ادارات و بیمارستان ها و... یکپارچه و سراسری میدان اعتراض به جنایت و فقر و توحش به زن ستیزی و نابرابری و استبداد است. این خیزش عظیم برای آزادی و برابری و رفاه را نمی توان با تهدید و ارباب خاموش کرد.

دانشجویان، جوانان!
مردم آزادیخواه!

ما حکم رفتن جمهوری اسلامی را داده ایم و امروز از کارگر و معلم و بازنشسته، از زنان و نسل جوان و همه محرومان جامعه برای به زیر کشیدن آن متحدانه به میدان آمده ایم. برای پیشروی های بیشتر و برای اعمال قدرت مستقیم خود باید این اتحاد مان را محکم تر و صف خود را قدرتمندتر کنیم. دشمنان ما در لباس ضدیت با جمهوری اسلامی نقشه به شکست کشاندن انقلاب آتی ما را دارند. باید در کارخانه و محلات شهرها، در دانشگاه و مدرسه و صف معلم و بازنشسته در تشکل های خود متحد شد. امروز بر متن استیصال و درماندگی دستگاه سرکوب در مقابله با جنبش سراسری ما، بر متن تحمیل قدرت و قوانین خود به حاکمیت، مناسب ترین شرایط برای تحکیم این اتحاد و تضمین حق خود در اعمال اراده و تعیین آینده مان است. امروز وقت تشکیل شوراهای کارگری در مراکز کار، شوراهای مردمی در محلات، در دانشگاه ها و... است. نیروی وسیع ما اگر متحد و متشکل شود، هیچ حاکمیت مستبدی توان مقاومت در مقابل آن را نخواهد داشت. قدرت ما در اتحاد سازمان یافته ماست. باید در سازمان های توده ای خود متحد شد و نیروی ده ها میلیونی خود را به هم وصل کرد و قدرت عظیم خود را علیه حاکمیت و برای سرنگونی آن و برای تضمین جامعه ای آزاد، امن و مرفه، به میدان آورد. حزب حکمتیست (خط رسمی) تمام قدرت و نیروی خود را برای گسترده تر کردن این جنبش، برای تقویت و تحکیم اتحاد سراسری این جنبش برای آزادی، رفاه و برابری به کار گرفته و برای به پیروزی رساندن آن در کنار شماست.

زنده باد آزادی، برابری
حزب حکمتیست (خط رسمی)
۸ آبان ۱۴۰۱ - ۳۰ اکتبر ۲۰۲۲

پیرامون حمله لمپن فاشیست های سلطنت طلب به آکسیون آزادیخواهان در لندن

در شرایطی که جنبش متحد و آزادیخواهانه مردم در سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی به راه افتاده، همزمان هم برای پس زدن هر گونه نمادهای استثمار و استبداد از نوع «شاه و رهبر» قد علم کرده و دست تمام جریانات مرتجع و عقبمانده را کوتاه کرده است. شکی نیست که شاه الهی های منسوخ شده در خارج کشور به دست و پا زدن افتاده اند و در کمال وقاحت و بیشمری درست در چهلمین روز مرگ مهسا با فرصت طلبی هر چه تمام برای اینکه این روز با تولد شاه سرنگون شده سابق شان همزمان است، سعی داشتند برای خودشان اعتباری بخرند و گستاخانه تلاش کردند اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی را دفاع از حکومت سلطنت که با قدرت همین مردم در تاریخ ایران به زیر کشیده شده، قلمداد کرده و تحمیل کند. البته فقط به همین بسنده نکرده و لمپن فاشیست های سلطنت طلب در تجمع همبستگی با مبارزات مردم در روز مرگ مهسا، به استیج فعالان چپ که در میدان مرکزی لندن حضور داشته، حمله کرده و تصویر دیگری از اوباشی گری شان را نشان دادند!

این تحرکات ارتجاعی هر چه بیشتر ماهیت و اهداف پارینه سنگی این اوباشان سلطنت طلب را برملا ساخت! این نیروهای مرتجع و طرفدار «بازگشت به گذشته» بهتر است بدانند تاریخ به عقب برنمیگردد و هیچ ملتی استفرغ خود را سر نمی کشد!

این شامورتی بازی ها و عربده کشی ها در خارج کشور نه تنها با مبارزات شجاعانه مردم آزادیخواه هیچ سنخیتی ندارد بلکه کاملاً علیه آن است. ما کمونیست ها به همراه موج گسترده آزادیخواهان در خارج کشور چون همیشه، همصدا با مبارزات مردم ایران در پیشبرد اهداف مترقی و آزادیخواهانه آنان، به هیچ لمپن فاشیست فیروزه ای و شاه الهی اجازه نخواهیم داد که مبارزات مردم را سکوی پرتاب اهداف ارتجاعی و عهد عتیقی خود کنند.

زنده باد مبارزات عظیم مردم ایران
حزب حکمتیست خط (رسمی) - کمیته لندن

۱ نوامبر ۲۰۲۲

کارگران! کمونیسم ابزار مبارزه ی شما است! کمونیسم را ابزار مبارزه خود کنید.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نينا

پخش برنامه های نینا از

کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نینا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena